



نمادها و نقوش تصویری افسانه‌ها و داستان‌ها در آثار هنری ایل قشقایی

زهرا گوهری مطلق * عبدالرضا چارئی **

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۳/۳۰

چکیده

در این پژوهش، قالب‌های تصویری گوناگون به کار رفته در روایت، افسانه‌ها و داستان‌های ایل قشقایی بررسی گردیده و سعی شده ویژگی‌های تصویری پدیدآمده بر مبنای این افسانه‌ها در آثار هنری ایل قشقایی کشف و شناسایی، همچنین اطلاعات تاریخی کامل و تصویرگری ایل قشقایی بررسی و معرفی شود. برای رسیدن به این هدف نیاز به اطلاعات اولیه‌ای بود که پیشینه تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و اجتماعی ایل قشقایی را معرفی می‌کرد و تا حدودی با اعتقادات، آداب و رسوم و نحوه زندگی ایلی آشنا می‌ساخت. این مطالعات در کنار اشعار، آوازه‌ها و ترانه‌ها، همچنین با استناد به افسانه‌های به دست آمده از ایل قشقایی، نوع افسانه سرایی، داستان پردازی و نقوش تصویری (تصویرگری) خاص این قوم را مشخص کرد.

واژگان کلیدی

افسانه، ایل قشقایی، تصویر سازی، نقوش تصویری، نماد.

* کارشناسی ارشد تصویر سازی، دانشکده هنر دانشگاه شاهد شهر تهران، استان تهران

Email: Gowharidorna@yahoo.com

Email: Chareie@shahed.ac.ir

** عضو هیأت علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران

مقدمه

ایل قشقایی به چند دلیل از اهمیت خاصی جهت تحقیق و پژوهش برخوردار است:

- ۱- کثرت جمعیت ایل و پراکندگی آن‌ها در استان‌های مختلف و سازمان یافته بودن و داشتن رهبری واحد مرکزی در قالب ایلخانی و داشتن زبان ترکی قشقایی.
- ۲- نقشی که بسیاری از بزرگان ایل قشقایی در مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران داشته‌اند.
- ۳- وجود فرهنگی ویژه و پرداختن به هنر و فرهنگ قشقایی می‌تواند یکی از عوامل جذب توریست بوده و تاثیر اقتصادی مناسبی در جهت حفظ و احیای این فرهنگ کهن داشته باشد. از دوران کهن در زندگی ایلی همواره داستان‌ها و افسانه‌ها به صورت منقول و سینه به سینه در یادها و خاطره‌های ایل قشقایی پا برجا بوده و منبع الهام خوبی برای ابداع آثار هنری گردیده است، از جمله در دست ساخت‌ها، دست بافت‌ها و صنایع دستی ردپای این داستان‌ها دیده می‌شود.

در این پژوهش با بهره‌گیری از نمادهای تصویری موجود در دست ساخت‌ها و دست بافت‌های ایل قشقایی که از افسانه‌های ایلی متأثر شده، نقوش تصویری و تصویرگری با مطالعه دقیق و صحیح در مورد ایل قشقایی معرفی شده است که موجب تداوم هنر قشقایی شده و می‌تواند از لحاظ تاریخی و یا سیر تحول تصویرسازی در نوع خود راه‌گشای موثری باشد. با بررسی تطبیقی آثار تصویری، افسانه‌ها داستان‌ها و مشاهده نقوش تصویری نمادین، به این سؤال پرداخته شده است که آیا نمادهای تصویری خاصی در جهت تصویرگری افسانه‌ها و داستان‌ها وجود دارد؟

مطالب با تحقیق توصیفی تحلیل و محتوا و با گردآوری مطالعات کتابخانه‌ای، تحقیق میدانی و با استفاده از ابزار فیش برداری، کارت مشاهده، بازدید از آثار، عکاسی و مصاحبه گردآوری شده است. جامعه آماری کلیه آثار هنری در دسترس ایل قشقایی استان فارس (اعم از سنگ قبر، اوجاق نقاشی و دست بافته‌ها شامل قالی گبه، گلیم و غیره) است.

روش نمونه‌گیری وضعی (انتخابی) است و ۵۰ نمونه از میان کلیه آثار هنری در دسترس، گزینش شده و مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات به دست آمده به صورت کیفی تجزیه و تحلیل شده است.

پیشینه و هنر ایل قشقایی

«قشقایی‌ها منسوب به ایالت قشقایی در فارس هستند که یا نام ایل از منطقه گرفته شده و یا نام منطقه از اسم ایل.» (دهخدا، ۱۳۳۹، ۳۰۱)

«قاطع‌ترین و دقیق‌ترین مدرک استناد به کتاب «ایران تورکلرینین اسکی تاریخی» (تاریخ دیرین ترک‌های ایرانی) نوشته مرحوم پروفیسور محمد تقی زهتابی می‌باشد که با



تصویر ۱- نمای بیرونی سیاه چادر ایل قشقایی

ارائه دلایل و مدارک متقن و صحیح به آن اشاره می‌کند. وی معتقد است قشقایی‌ها یکی از طوایف بیست و چهارگانه ترکان اوغوز به نام قائی هستند و قسمتی از قائی‌ها که در منطقه کش (kash) در مرز آذربایجان سکونت داشتند، بعد از تحت شرایط سخت طبیعی و سیاسی قرار گرفته و به سمت شمال ایران و آذربایجان کوچ کردند و مدت‌ها در آن مناطق زندگی کردند تا این که حدود ده قرن قبل به جنوب و مرکز ایران رانده شدند.» (کیانی، ۱۳۸۵، ۱۶)

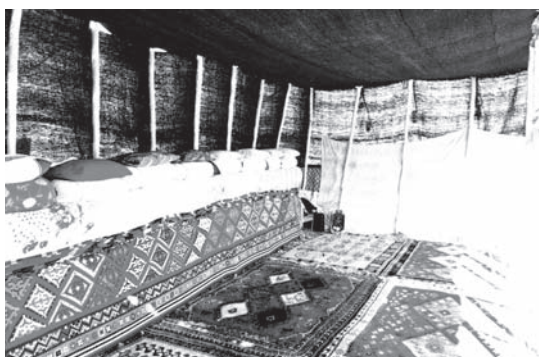
تیره‌ها و طوایف قشقایی

«ایل قشقایی شامل شش طایفه بزرگ است: دره شوری (پنجاه و یک تیره)، کشکولی بزرگ (چهل و هفت تیره)، عمله (چهل و پنج تیره)، فارسیمدان (بیست و پنج تیره) کشکولی کوچک (دوازده تیره) که در استان‌های فارس، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان و ساحل پراکنده است.» (دبیرخانه شورای عالی عشایر ایران، ۱۳۶۸، ۵۳)

هنر در ایل قشقایی شامل صنایع دستی، خط، نقاشی، موسیقی، رقص و شعر است. زندگی قشقایی با هنر قشقایی عجین است و آفرینش هنری در تمامی وسایل زندگی قشقایی و پوشاک، مسکن و غیره به چشم می‌خورد.

از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به انواع دستبافت‌ها اشاره کرد که عبارتند از: قالی، گلیم، گبه جاجیم، شیشه درمه، رند سوزنی یا به اصطلاح ترکی چرخ، چادر سیاه و غیره (تصاویر ۱-۲)

اوزانه (اوسانه، افسانه) در ایل قشقایی



تصویر ۲- نمای داخل سیاه چادر ایل قشقایی



تصویر ۴- تیره سه‌میدینی



تصویر ۳- انتخاب وحک سه حرف از اورخون، طایفه کشی گولی برای اوجاق یک قوم

ترجمه: دخترم، دختر مادر / دخترم را می‌دهم به «اوزان» / اوزان پول به دست می‌آورد / دخترم بپوشد و خود را بیاراید. در این جا اوزان به معنی افسانه سرا، شاعر ساز زن خلق به کار می‌رود». (بهزادی، ۱۳۶۹، ۲۱۶)

داستان‌ها و افسانه‌ها در ایل قشقایی یادگاری از گذشته‌های دور و دراز و شرح رنج‌ها، فراق، وقایع تاریخی و زندگی پر ماجرای ایل است. در ادبیات شفاهی هر یک از پژوهش‌گران برای بیان مفاهیم معینی از اجزای ادبیات شفاهی اصطلاح خاصی را به کار می‌گیرند و در این موارد اشتراک نظری وجود ندارد به عنوان مثال برخی از لفظ «افسانه» و عده‌ای از واژه «قصه» و گروهی نیز از اصطلاح «متل» برای نام بردن از یک نوع «گونه» معین از ادبیات شفاهی استفاده می‌کنند. این موضوع حتی در باره ترجمه واژه اروپایی «فولکلور» نیز مصداق دارد.

«شعراي قشقایی بیش تر حماسه و اشعار غنایی سروده و گاهی آن‌ها را به رشته تحریر در آورده‌اند. در این میان حماسه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به آن «میتیل یا متل» می‌گویند که اشعار و نثر حماسی بوده است. ریشه کلمه میتیل برگرفته از دو بخش میتی (میدی، مدی یا ماد) و ال است. ایتیل یعنی هیتی‌ها و میتیل یعنی میتی‌ها یا مادها». (جدی بایات، نقل از مصاحبه)



تصویر ۶- نمایی کلی و رنگ شده «ایل اوجاقی قیشلاق» حروفی از الفبای یتنگی اورخون

ظاهراً از ریشه، افسون / فسون (به معنی ورد، سحر، کلماتی که جادوگران، ساحران و مصیبت‌خوانان برای منظوری خوانند و نویسند، درمجاز به معنی مکر و حیل و تزویر) است. در فرهنگ فارسی به معنی «قصه، داستان حکایت، تمثیل و سرگذشت، حکایات گذشتگان، قصه و حکایت بی اصل و دروغ که برای قصه اخلاقی یا تنها برای سرگرم کردن ساخته‌اند و قصه‌ها که برای اطفال گویند، آمده است.

افسانه در ادبیات شفاهی ایل قشقایی تبلور آرزوهای مردم ایل در نقش پهلوانان اساطیری برای رهایی مردم از ظلم و ستم و همچنین نیاز به قصه پردازی و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر به صورت شفاهی و به اصطلاح سینه به سینه، به قصد آموختن، پند و اندرز دادن، حکمت و علم الاخلاق است.

«در ایل قشقایی نیز در ابتدا «اوزان» بوده که به تدریج به اوزانه، اوسانه و در نهایت افسانه تبدیل شده است. شعر زیر که در قالب ابیاتی آمده بیان‌گر این موضوع است:

قیزیمی وئرم اوزانا

اوزان آقچا قازانا

قیزیم گییه بزه نه



تصویر ۵- چهار حرف یا اوجاق از یتنگی اورخون



تصویر ۸- اوجاق ایل نفرز ایل اویسرات ۱۷۴ ایمل‌های قشقایی حرف (نی) از ینگی اورخون واقع در بابانجم اویغور



تصویر ۷- نمایی کلی و رنگ شده قبیله اویرات یا اوریات از ایل‌های قشقایی

بزرگ ترک هاست داستان‌های کتاب ده ده قورقوت که مشهورترین ترین کتاب افسانه در زبان ترکی است که بر پایه اساطیر و تاریخ اوغوزها سروده شده است.

افسانه‌های ایل قشقایی عبارتند از: افسانه اوغوز، مهرخاور (سوریانین مهرشاد) کور اوغلو، کرم اصلی، هوسوب قوربان (یوسف قربان)، غریب و صنم، آخساق جیران (آهوی لنگ)، محمودونگار، سایاتنن همراه (سایات و همراه) قیرات، شاه برخوردار حاتم طایی، صیدی خان و پریزاد، ملک محمد شاه، یان اقول (پسر نصفه) شیرزاد پهلوان گرابلی و غیره.

پیدایش تصویر سازی در ایل قشقایی

اولین نشانه‌ها که آغازگر تصویرگری در ایل قشقایی بوده مربوط به اویماق هاست^۱ مانند آخرین تامغای^۲ قشقایی یا اوجاق از «ینگی اورخون ۲» است.

«اوجاق‌ها که سمبل و نشانه و پرچم ملی هر اویماق بوده

افسانه، داستان و نقوش تصویری در ایل قشقایی

افسانه‌های رایج در ایل قشقایی

ایل قشقایی گویش ترکی دارند و زبان ترکی از زبان‌های التصاقی است، در این زبان کلمات معمولاً دارای یک ریشه ثابت و غیر قابل تغییرند و برای ساختن واژه‌های جدید، پسوند یا پیشوند به ریشه اصلی کلمه افزوده می‌شود. در این زبان‌ها فعل بدون قاعده وجود ندارد.

زبان‌های اقوام قدیم دنیا مانند: سومری‌ها، ایلامی‌ها، هیت‌ها، کاسی‌ها، هوری‌ها (میتانسی‌ها = مادها)، قوتی‌ها (کوتی‌ها) لولوبی‌ها (لولوها)، اورارتو‌ها و غیره جزء زبان‌های التصاقی است. امروزه هم زبان‌های کره‌ای، فنلاندی، ترکی منچوری، مغولی، ژاپنی و غیره از گروه این زبان‌ها (التصاقی) محسوب می‌گردد. اولین افسانه‌ای که در میان تمام ترک زبان‌ها، از جمله ایل قشقایی رایج است «افسانه اوغوز نام دارد، اوغوز نام شخص و نام ایل



تصویر ۱۰- کلاه، شال و آرخالوق مرد قشقایی که شاخه‌ای گل بر دست دارد، مربوط به زمان قاجاریه و حکومت فرمانفرما در فارس، «نشان صلح و آشتی»



تصویر ۹- نمایی عمودی و داخلی قبر (احتمالاً متعلق به زنان قشقایی) با نقشی از قالی

- ۱ - طایفه
- ۲ - مهر، نشان
- ۳ - اورخون جدید



تصویر شماره ۱۲- گلیم با نقش دونا بگی و خراسانی



تصویر ۱۱- نمایی از سر قبر ویژه قشقای ها، اسب سوار مسلح به تفنگ و شمشیر در قبرستان بابانجم ایغور

آورده شده است. بستر های نقوش تصویری (تصویر سازی) در ایل قشقای

اولین نقوش تصویری که بستری برای پیدایش تصویر سازی در ایل قشقای محسوب می شود دست ساخت هایی است که عمده ترین آن نشان اوجاق ها می باشد و جایگاه ویژه ای در ایل قشقای دارد. یکی از سوگند های رایج در ایل قشقای، «به اوجاقت قسم» است و عروس هنگام ترک خانه پدری سه بار دور خانه می چرخد...، که برخی از این نشان ها ریشه در افسانه ها و داستان های ایل قشقای دارد مانند تیر سفید و تیر خاکستری و کمان که برگرفته از افسانه اوغوز است. تصویرگری ایلی به دست هنرمندانی به وجود آمده که مبانی هنری و اصول فنی را طبق روش های علمی و آکادمیک نیاموخته اند و این تصاویر با اسلوبی خام ولی با رعایت موازین حرفه ای پدید آمده است. آنان تصویر نگاره های فرهنگی و غیره را بر اساس ذهنیت خود و نقل قول های اطرافیان صرفاً در زمینه غرور آفرینی ها و شجاعت های قهرمانان تصویر کرده اند.

دست بافت ها و تاثیر پذیری آن از افسانه ها

یکی دیگر از بسترهایی که نقوش تصویری در آن استفاده شده دست بافت ها هستند. در ایل قشقای هنرمندان (زنان قشقای) اغلب برای مردم قبیله خودشان کار می کنند و بسیاری از افسانه ها، باورها و اسطوره های خود را به زبان نقوش نمایان می سازند. زنان و دختران قشقای نقوش را چون افسانه ها و داستان ها سینه به سینه از مادر بزرگ ها و پیر زنان طایفه دریافت نموده و آن را بدون کوچک ترین تغییر بر بوم قالی نقش می زنند.

طرح و نقش های قالی با استفاده از مظاهر طبیعت و محیط اطراف به صورت ذهنی بافته می شود و اغلب این طرح ها و نقشه ها از نقوش هندسی برخوردار بوده و به دلیل پایداری یافته ها به حفظ سنت های قومی، کم تر دچار تغییر و تحول می شوند. هنرمند به طور دقیق می داند که هر شکل یا رنگ چه معنایی را انتقال می دهد و چه دلالت هایی دارد،

که حرفی از الفباهای ینی سنی = اورخون ۱ و ۲ و ۳ و او ایغوری (بینگی اوخون) ویژه قشقای هاست که با توجه به حرف اول و گاهی حرف اول و دوم هر اویماق انتخاب شده و به شکل تامغا و داغما بر پوست حیوانات، صنایع دستی، نقش بر چوب و بالای قبر اموات و به صورت داغ در صورت و گوش اسب، شتر، گوسفند و پیشانی برده ها حک، نصب، نقش و حجاری می شده و در جنگ ها و جشن ها آن را با خود حمل می کرده اند، گزینش نام اوجاق به چاله آتش، ناشی از احترام به نور متجلی از انوار (تاؤری = تاری) یا خدا در فرهنگ ترک ها بوده و مربوط به دین زرتشت نمی باشد.

مانند (او ایغور اوغوز) که در قشقای «هویغور» و در تحریف گله زن اغری نامیده می شود [۱] به معنی (اوی) ۲ و در بایات اغوز ۳ یا بایات قرائولی ۴ و موس ائولی ۵ ابتدا و آغ اولی ۶ «عقاب فرود آمده با گردن افراشته و [۸] ب اورخون و [۹] در بینگی اورخون می باشد» (جدی، بایات)، ۱۳۷۸، دیباچه)

«ترکان خاوری (ساکنان ساحلی دریاچه خزر تا نواحی مختلف ماوراءالنهر) پیش از اسلام، الفبای دیگری با ترکیب و تغییر الفباهای اورخون ۱ و ۲ داشته اند که می توان آن را «بینگی اورخون» نامید و هر یک از اقوام ترکان خاوری تامغا یا اوجاق خود را از آن گرفته اند.

قوم قایی یا شایی اوغوز که ابتدا دارای تامغای [۷] بوده تصویری از عقاب تاوشانچیل در حال شکار را [۴] که معادل «ق» یا «غ» بوده برگزیده است. بر بالای قبر قوم قشقای و بؤلوق یا بنکوهای آن قایی لو (جانی خانلو) و «شایی لو» که به شای لو و شاهلو و شاهیلو تحریف شده و «دده کایی لو» که به دده که بی که کایی همان قایی به زبان چینی است، به شکل زیبایی این اوجاق کننده کاری و نقش شده است. (جدی بایات)، ۱۳۷۸، ۵۱)

تصاویر (۲-۹) سنگ قبوری است که نشانه های اوجاق ها و غیره بر روی آن ها حک شده است.

از دیگر تصویرگری هایی که می توان در ایل قشقای به آن اشاره کرد، تصاویری است که در صنایع دستی

۱- اغری = دزد، گله زن اغری، نام طایفه ای در ایل قشقای.

۲- از الفبای ترکی اورخون

۳- بایات یکی از طوایف ایل اغوز که به سه قسمت تبدیل می شود بایات قرائولی و موس ائولی ابتدا و آغ اولی

۴- بایات جادرسیاه

۵- بایات جادرخاکستری

۶- ایات جادرسفید



تصویر ۱۴- درمان مسمومیت (بیژن بهادری کشکولی)

سینه به سینه با شعر و موسیقی حفظ شده و در نقاشی راه پیدا نکرده است.» (بهادری کشکولی، ۱۳۸۷، مصاحبه ۱ (تصاویر ۱۳ تا ۱۵))

افسانه و نقش آن در دست ساخت های ایل قشقایی

در افسانه های ایل قشقایی با موجودات و جانورانی مواجه می شویم که به کمک ویاری قهرمانان داستان آمده و مشکلات آن ها را مرتفع می کنند. نزدیکی رابطه انسان و حیوان در این افسانه ها را می توان به انسان هایی با همان شخصیت نسبت داد، گویی که حیوانات، توتم و همزاد انسان ها بوده همه در یک خانواده بزرگ قرار می گرفتند. این موجودات و حیوانات ابتدا تصویرگری شده و سپس با خلاصه سازی آن به نمادهای خاص تبدیل می شدند که در افسانه ها به این حیوانات و نمادها توجه ویژه ای می شود. مثلا در نا در افسانه سایات و همراه یا کرم و اصلی (تصویر ۱۲) و یا آهو در افسانه آخساق جیران (آهوی لنگ).

نمادهای تصویری و اعتقادات مربوط به نگاره های گوناگون، با نقل سینه به سینه، طی نسل های پیاپی، تغییر یافته، پیچیده تر شده و مانند دیگر رسوم قبیله، جزئی از افسانه ها و فرهنگ بومی می گردد. یکی از تقسیم بندی هایی که می توان برای نقشمایه ها به کار برد عبارتست از نقشمایه های حیوانات، گیاهان، اشیاء، و اشکال.

بررسی تطبیقی افسانه ها و داستان ها و نقوش تصویری در آثار هنری ایل قشقایی

افسانه اوغوز در مورد قهرمانی تاریخی به نام اوغوز خان است که دارای سه فرزند پسر بزرگ به نام های گون (آفتاب)، آی (ماه)، اولدوز (ستاره) و سه فرزند کوچک به نام های گوگ (آسمان)، داغ (کوه)، دنیز (دریا) می باشد. او در یک مهمانی باشکوه خاقان بودن خود رابه همه اعلام کرد، فردای آن روز نیز گرگ نری از نور آفتاب که بر چادر تابیده بود بیرون آمد و آمادگی خود را برای کمک به اوغوز خان اعلام نمود و خان نیز بوز قورد (گرگ خاکستری) را طلایه دار لشکر خویش نمود که در اندیشه



تصویر ۱۳- جنگ ایل قشقایی با قشون انگلیس (بیژن بهادری کشکولی)

دست بافت های قشقایی بر پایه خطوط جا افتاده ای عمل می کنند ولی فضایی را برای اراده و ابتکار هنرمند باز می گذارد.

دست بافت هایی که در ایل قشقایی وجود دارند عبارتند از گلیم، جاجیم، سوزنی (چرخ) رند، قالی، گچردمه، شیشه درمه، سیاه چادر قشقایی و غیره از میان دست بافت های اشاره شده نقوش تصویری برگرفته از افسانه ها و داستان ها معمولا در گلیم، قالی و رند بیش تر به چشم می خورد بسیاری از نقوش نمادین نیز در این بافت ها به کار رفته است، تامغای بخش دیگر قایی (تمدن ساک کایی) یا (ساغ قایی) همان نقش دُنابیگی است که از معروف ترین نقوش گلیم به شمار می رود (تصویر ۱۲) جاجیم، سوزنی، گچردمه و سیاه چادر به دلیل محدودیت هایی که در نوع بافت وجود دارد تقریبا فاقد این گونه نقوش می باشند.

افسانه در نقاشی های ایل قشقایی

نقاشی در ایل قشقایی، بیان گر روایت رویداد های تاریخی و باز آفرینی زندگی روزانه به زبان تصویر است و به لحاظ محتوا، مردمی و عامه پسند می باشد. تابلویی که در آن افسانه ای نقاشی شده باشد توسط نگارنده یافت نشده و نقل قول و نمونه هایی از نقاشی های آورده شده، تاییدی بر این نکته است.

«نقاشی در ایل قشقایی واقعیت های زندگی، حرکت کوچ، پختن نان و غیره است، افسانه ها در ایل قشقایی




تصویر ۱۵- مدرسه عشایری (دکتر حسن بهادری کشکولی)

۱- نقاش ایل قشقایی که بیش ترین آثار را در این زمینه ارائه کرده است.




تصویر ۱۸- قالی با نقش عقاب



تصویر ۱۷- کلمه قشقایی به خط ینگی اورخون در وسط قالی نوشته شده است. بوزقورد، کمان، سه تیر نقره، سرعقاب، و نشان قبیله قایی - قشقایی، «» تامعانی تصویری عقاب تاوشانچیل در هنگام شکار



تصویر ۱۶- درنا در حال نشستن و پرواز کردن «» نشانه قبیله قایی - قشقایی



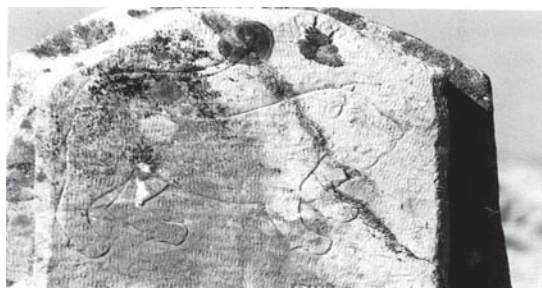
تصویر ۲۰- قالی با تصویری که به نام اصلی صنم ویا سوری یا



تصویر ۱۹- قالی با نقش عقاب



تصویر ۲۱- قالی با نقش شیر



تصویر ۲۲- شیر نر بر قبر مردان قشقایی که معمولاً در جنگ ها کشته می شدند

حمله به اُرُم بودند. یکی از نزدیکان اوغوز خان ریش سفیدی به نام اولوغ توروگ با دیدن خوابی به وی نوید فرماندهی کل شرق و غرب را می دهد.

خواب به زودی تعبیر شد و فرزندان بزرگ اوغوز خان در راه شکار، یک کمان طلایی پیدا کردند که اوغوز خان آن را بین آن ها تقسیم کرد. همین طور فرزندان کوچک تر سه تیر نقره پیدا کردند که اوغوز خان آن ها را بین سه پسر کوچک قسمت کرد، سپس تمام سرزمین را بین شش پسرش تقسیم نمود و هر یک از شش پسران صاحب چهار فرزند شده و پایه گزاران بیست و چهار قبیله اوغوز گردیدند.

عناصر به کار رفته در این داستان عبارتند از بوز قورد (گرگ خاکستری) تیر و کمان، سه تیر نقره، عدد بیست و چهار که نماد قبایل بیست و چهارگانه اوغوز است، در میان دست بافت های ایل قشقایی نمونه هایی وجود دارد که از افسانه اوغوز الهام گرفته شده است. (تصویر ۱۹ تا ۱۷)

بوزقورد، کمان، سه تیر نقره، سرعقاب، و نشان قبیله قایی - قشقایی.

افسانه دیگر مهر خاور (سوریا و مهر شاد)، قصه شاهزاده ای است که دلباخته تصویر زیبای دختری می شود که بر روی پارچه حریری نقش بسته و یکی از بازرگانان از مغرب زمین (مراکش) به او هدیه داده بود. صاحب تصویر همراه با بازرگان و برادر خود راهی مراکش می شود، اما دریا طوفانی شده و...

یکی از نقوشی که در آن بانویی با پوششی غیر از پوشش بانوان قشقایی تصویر شده و در دست بافت ها وجود دارد مربوط به دختری است که در تصویر ۲۰ دیده می شود، در افسانه های ایل قشقایی سه ارمنی نقش قهرمان را ایفا کردند، که عبارتند از صنم در افسانه غریب و صنم،



تصویر ۲۳- قالی با نقش شیر

اصلی در افسانه کرم و اصلی، و سوریا در افسانه مهر خاور. این نقش با نام این شخصیت‌ها در بین بافندگان ایل شهرت دارد. (تصویر ۱۸)

بررسی ترکیب بندی در دست بافت‌ها و دست ساخت‌ها بر پایه افسانه‌ها

شیرزاد پهلوان، افسانه ماده شیری است که در کوهستانی مرتفع زندگی می‌کرد، طفل کوچکی را که از کاروان جدا مانده و راه گم کرده بود به غار خود برده و از او بزرگمردی ساخته بود. جوان پس از مرگ شیر به میان آدمیان آمده و با نام شیرزاد پهلوان، قوی‌ترین پهلوان سرزمین خود می‌شود و ماجراهای جذابی را پشت سر می‌گذارد.

در آثار هنری ایل قشقایی نمونه‌هایی وجود دارد که برگرفته از این افسانه است و نشان‌گر نمادهای تصویری این داستان بوده و ترکیبی که گویای روایت داستان باشد به چشم نمی‌خورد و تنها به نماد تصویری این افسانه شیر (آسلان) اکتفا شده است. (تصاویر ۲۱ تا ۱۹)

طبق بررسی نمونه دست بافت‌ها و دست ساخت‌های گردآوری شده، در هیچ یک از نمونه‌های موجود، ترکیب بندی بر اساس روایت افسانه‌های مذکور صورت نگرفته و فقط به نمادهایی از افسانه موجود در دست ساخت یا دست بافت بسنده شده است.

نتیجه

پیدایش نقوش تصویری در ایل قشقایی با علامت اوجاق که نماد و پرچم هراویماق بوده، شکل گرفته و به صورت نشانه‌هایی برای شناسایی شکار و به شکل تامغا و داغما بر پوست حیوانات و نیز سنگ قبرها و صنایع دستی آمده است. در ایل قشقایی تصویرسازی به صورت علمی وجود نداشته و نقاشی‌هایی به صورت محدود در کتاب‌ها دیده می‌شود. نقوش تصویری موجود در دست ساخت‌ها و دست بافت‌ها گاهی برگرفته از افسانه‌ها و داستان‌هاست و نقاشی‌ها اغلب ثبت وقایع روزمره آداب و رسوم و غیره است و ارتباطی بین این دو مشاهده نمی‌شود.

در مورد نقوش تصویری استفاده شده در دست بافت‌ها که در مواردی از افسانه‌ها و داستان‌ها الهام گرفته شده و می‌توان به طور مثال به بوزقورد (گرگ خاکستری) اشاره کرد که نشانه خوش اقبالی مردانگی، شجاعت، علاقه به خانواده و غیره که کاملاً برگرفته از افسانه است و نقش‌های نمادین دیگری نیز وجود دارد که از ساده کردن نقوش تصویری پدید آمده است. مانند تامغای قوم قایی یا شایی اوغوز، که تصویری از عقاب دوشانچیل (تاوشانچیل) است و معادل «ق» یا «غ» انتخاب شده است. دیگر این که در نمونه‌های موجود ترکیب بندی بر اساس افسانه‌ها صورت نگرفته و گاهی نمادهای تصویری موجود در افسانه‌ها به تنهایی در این آثار هنری آمده است. هنرمند ایل خاطرات و نیازهای خود را در قالب افسانه، داستان و نقوش تصویری که نماد خاصی هم چون برکت، شجاعت و غیره را دربردارد، ثبت و به دیگر افراد خانواده و ایل منتقل می‌کند.

در نهایت تصویرگری در ایل قشقایی برگرفته از خواسته‌ها و نیازهای ایل جهت امنیت، اقتدار، برکت،



قدرت و باروری است که با افسانه‌ها، داستان‌ها، اشعار و آوازه‌ها همراه شده و از صافی نگاه بانوی ایل گذشته و بردست بافته‌ها نقش بسته است. این نقوش مستقیماً با جایگاه زن قشقایی در ایل، نیازها و آرزوهای او، نوع و ساختار زندگی و در نهایت موقعیت جغرافیایی و اقلیمی که در آن زندگی می‌کند، ارتباط دارد.

منابع و مأخذ

- بهزادی، بهزاد، فرهنگ فارسی، آذربایجانی (آذربایجان-فارسجا سؤزلوگ)، دنیا، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹.
- بهمن بیگی، محمد، عرف و عادت در عشایر فارس، آذر، چاپ اول، تهران، ۱۳۲۴.
- بیات، کاوه، شورش‌های عشایری و روستایی ۱۳۰۹-۱۳۰۷، نشر نقره، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۵.
- جدی (بایات)، حسین، پیوستگی قومی و تاریخی اوغوز-ایل‌های قشقایی ایران قبیله (قایی - قشقایی)، نوید، چاپ اول، شیراز، ۱۳۷۸.
- دانشگر، احمد، فرهنگ جامع فرش یادواره «دانشنامه ایران»، چاپ و انتشارات یادواره اسدی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
- دوزگون، حسین، قشقایی لوحه لری (شعرمجموعه سی) زنگان، زنجان، ۱۳۷۷.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۳۶، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۹.
- کیانی، منوچهر، تاریخ مبارزات مردم ایل قشقایی از صفویه تا پهلوی، کیان نشر، چاپ دوم، شیراز، ۱۳۸۵.
- کیانی، منوچهر، کوچ با عشق شقایق، کیان نشر، چاپ اول، شیراز، ۱۳۷۷.
- کیهان، مسعود، جغرافیای مفصل ایران، جلد دوم، آگاه، چاپ اول، تهران، ۱۳۱۱.
- لاکهارت، لارنس، انقراض سلسله صفویه، ترجمه: مصطفی قلی عماد، مروارید، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۸.
- ج. مرسدس: مرسدن، دیوید، مروری کوتاه برگزیده و حال ایل قشقایی، ترجمه: کاوه بیات، بنیاد فرهنگ و هنر ایران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد ششم، امیرکبیر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۷.
- محمدزاده صدیق، حسن، یادمان‌های ترکی باستان، نخل‌های سرخ، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
- مصاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف فارسی، جلد دوم، فرانکلین، بخش اول، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷.
- دبیرخانه شورای عالی عشایر ایران، «مقدمه ای بر شناخت ایل»، فصلنامه عشایری نخبیر انقلاب، تهران شماره ۸۰۹، پاییز و زمستان، ۱۳۶۸.
- هیئت، جواد، سیری در تاریخ و لهجه‌های ترکی جهان، نشر نو، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۶.

منابع تصویری

- کیانی، منوچهر، کوچ با عشق شقایق، کیان نشر، چاپ اول، شیراز، ۱۳۷۷.
- ایل‌های قشقایی ایران قبیله (قایی - قشقایی)، نوید، چاپ اول، شیراز، ۱۳۷۸.

مصاحبه

- جدی (بایات) حسین، نگارنده، ۱۳۸۶.
- بهادری کشکولی، بیژن، نگارنده، ۱۳۸۶.
- بهادری کشکولی، دکتر حسن، ۱۳۸۶.